

زیبایی شناسی ادبیات کودک

مهدی حجوی

رساله‌ی دکتری، دانشکده‌ی هنر

دانشگاه تربیت مدرس تهران، 1385

استاد راهنما دکتر حبیب‌الله لزگی

اساتید مشاور:

دکتر قیصر امین پور

دکتر محمود طاووسی

چکیده

رواج این تلقی که ادبیات کودک، پدیده‌ی آموزش‌محور است، موجب شده که این‌گونه ادبی اعتبار خود را تاحدی از دست بدهد و در مواردی به ابزار تعلیم و تربیت بدل شود. در پژوهش‌های ادبی به این معضل، توجه کافی نشده است. اصلی‌ترین هدف رساله حاضر، نقد رویکرد آموزش‌محور در ادبیات کودک و اثبات رویکرد زیبایی‌محور هم چون پدیده‌ی واقعی و نه قراردادی است. در رویکرد آموزش‌محور، نگاه به زیبایی بیشتری نگاهی ابزاری است؛ اما رویکرد زیبایی‌محور بر آن است که اگر قرار باشد برای ادبیات ذات‌قابل شویم، آن‌گاه زیبایی، عنصر ذاتی و درونی ادبیات کودک، و ماده آموزشی، عنصر عرضی و بیرونی آن است. در این رساله مفهوم هنر در برابر مفهوم آموزش به کار رفته است. منظور از آموزش، تأثیر بر مخاطب نیست، زیرا هر پدیده‌ی کم و بیش تأثیری در پی دارد. مقصود ما از آموزش در این‌جا مفهوم تعلیم و تربیتی آن است، یعنی: فرآیندی با قصد و طرح اولیه به منظور ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در مخاطب. برای پیگیری بحث از سه راه وارد می‌شویم: محور نظری، محور تاریخی و محور نقد و بررسی. در محور اول (نظری) می‌کوشیم صرف‌نظر از محقق شدن یا نشدن ادبیات کودک در عالم واقع، "امکان" تحقق آن را اثبات کنیم. رویکرد رساله در تعریف هنر از طرفی نظریه همسانی هنر و بازی و اصالت‌قابل شدن برای لذت و بازی و تخیل در ادبیات کودک و از طرفی مشارکت حس و عقل در روند خلق هنری است. هم‌چنین از اعتبار بیشتری که دیدگاه مخاطب‌محور در نظریه ادبی معاصر داراست بهره‌هایی در اثبات ظرفیت ادبیات کودک در خلق معانی متنوع در ذهن مخاطبان متنوع و نیز نسبت هرمنوتیک با دیدگاه زیبایی‌محور در ادبیات کودک برده‌ایم. در محور نظری کوشیده‌ایم نشان دهیم که قید مخاطب (کودک) در ادبیات کودک لزوماً مانع ناب بودن ادبیات کودک نیست. هم‌چنین تفاوت نسلی بین نویسندگان بزرگسال و خوانندگان کودک لزوماً ادبیات کودک را تصنعی، اقتدارگرایانه و یکسویه نمی‌سازد. از این گذشته بزرگ‌ترها نیز به کودکی و ادبیات کودک نیاز دارند. بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال تفاوتی نیست مگر از ناحیه مخاطب. یکی از مهم‌ترین استدلال‌های ما در محور نظری برای اثبات ذاتی بودن زیبایی و عرضی بودن اهداف آموزشی این است که: می‌توان داستان یا شعری کودکانه را فرض کرد که براساس اهداف آموزشی (به مفهوم علمی‌اش) شکل نگرفته باشد، اما نمی‌توان اثری را فرض کرد که ادبیات باشد ولی از وجوه زیبایی‌شناسانه و جوهره ادبی خالی باشد. در محور دوم (تاریخی) اتکالی ما بر سیر تحول تاریخی مفهوم ادبیات کودک از آموزش‌محوری به زیبایی‌محوری است که نشان می‌دهد تحولات تاریخی این‌گونه ادبی، تعریف آن را به سوی زیبایی‌محوری سوق داده است. در این میان هم‌بستگی و هم‌زمانی معناداری میان اولویت یافتن عنصر زیبایی در ادبیات کودک و به رسمیت شناخته شدن دوران کودکی در جوامع بشری مشاهده می‌شود. در محور سوم (نقد و بررسی) نیز ذاتی بودن زیبایی و اصل نبودن

آموزش را از طریق تحلیل ساختاری داستان‌های شازده کوچولو (فرانسه)، هری پاتر (انگلستان) و سفر به شهر سلیمان (ایران) نشان داده‌ایم. در واقع تأکید کرده‌ایم که ارزش و یا ماندگاری این آثار در درجه اول به واسطه تأثیرات آموزشی آنها نیست، بلکه از ارزش‌های زیبایی‌شناسانه آنها سرچشمه می‌گیرد.

دکتدر
حجروانی